

## شاه در سرسپردگی به امپریالیسم

۱۹ فوریه امسال شاه هنگام توقف خود در سن موريس پس از ملاقات و مذاکره با رئیس جمهور فرانسه به روزنامه نگار ایستگاه رادیویی آمریکا اظهار داشت: آنچه ما میان دو کشور خود مشغول انجام آن هستیم فوق العاده است. و سپس در پاسخ روزنامه نگار که آیا شما تصمیم دارید بگذرید فرانسه در کشور شما جای آمریکا را بگیرد؟ گفت: شما میدانید که در کشور من آنقدر جاهلست که هرکس بتواند از یک سهمی داشته باشد. (برنامه ۱۹ فوریه ۷۵)

صریحتاً از این نمیتوان به خیانت اعتراف کرد. پوش از سی سال است که این مرد خائن وطن فروش همین سیاست را دنبال میکند سیاست تک تک کفمه میتواند از آن سهمی ببرند. هیچ دولت سوسیالیستی را نباید که اندیشه فارتد یگران را در سر بریزد و برای بردن سهم از کجکی کند رسوا سر ایران کشته شده به زیارت شاه ایران نشتايد، سخنان تعلق آمیزی به شما نگویید یا اقدامات نواستعماری ویرانستاید. زمانه ایران غارتگر در این گوشه از جهان کجی سراغ گرفته اند و کافی است طعمه او به ماری که بر روی آن خوابیده بخوراند و سهمی از کجی را بخارت ببرند.

کثرت زمامداری در جهان مانند شاهان این درجه وطن خود را بتاراج میگردانند و امید میدهند. او در این سیاست وطن فروشانه فرقی میان امپریالیست هانمیکند ارد، برقررت و ضراب برقررت نمی شناسد معذک امپریالیسم آمریکا در ایران موقعیت ممتازی دارد. شاه همانقدر که ۲۰ درصد از سهام کرپ بجنایتکار جنگ جهانی دوم را میخورد و او را از خطر ورشکستگی میرهاند که سید طیبون دلار شرکت پان آمریکان سرمایه گذاری میکند. در مورد سرمایه گذاری اخیر روزنامه واشنگتن استارنخه شادی سر میدهند که چنین سرمایه گذاری که اربابانی ما لا متنبع توازن بود چه مورد اخت های آمریکا است. شاه نیز همین را میگوید: ما آماد مایم پانام را از وضع بسیار دشواری که در آن قرار ارد نجات دهیم البته اگر اینکار مورد موافقت دولت ونگرره آمریکا باشد. ما هرگز نمیخواهیم کاری بکنیم که در جهت خلاف اراده سیاسی آنها سیر کند. (لویوند ۱۹ فوریه ۷۵) شاه همان اندازه نفت این ثروت عظیم میبیند ما را بتاراج امپریالیست های غرب و بهره کمانی های نفتی آمریکائی میدهد که گاز کشور ما را به سوسیال امپریالیسم شوروی به تن بخس میفروشد. او همانطور که ۲۲ میلیارد فرانک به فرانسه میبخشد که یک میلیارد و دویست میلیون دلار به انگلستان همانطور که یک میلیارد دلار به ایتالیا میدهد میسپندد که یک میلیارد دلار به بانک جهانی و... در ششمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاریهای اقتصادی وقتی ایران شوروی که در تاریخ ۳ اسفند ۵۳ با حضور وزیر اقتصاد ایران در مسکو تشکیل کردید موافقت نامه ای درباره همکاریهای جدید اقتصادی با ضار رسید که مبلغ آن به سه میلیارد دلار بالغ میگردد. موافق های مهمی که در کشور بعد از دست یافتند شاه اعطای وام به شوروی و سرمایه گذاری در این کشور نیز میشود. چند روز بعد وزیر اقتصاد ایران بلافاصله پس از بازگشت از مسکو به آمریکا شتافت تا در اجلاس کمیسیون مشترک وزیران ایران و آمریکا که به ظاهر کمیسینی اقتصادی است ولی مسائل دفاعی و نظامی نیز در آن حل و فصل میشود، با حضور هنری کیسینجر شرکت کند. قریب ده روز قبل از تشکیل این اجلاس جان تاسور که گویا از نتایج چشمگیر آن اطلاع داشت گفت: نتایج ملاقات قریب الوقوع هوشنگ انصاری وزیر امور اقتصادی ایران با هنری کیسینجر که قرار است او آخرین باری اول اسفند در واشنگتن صورت گیرد و سعت همکاریهای جدید ایران و آمریکا را بقیه در صفحه ۲

## فرخنده باد اول ماه مه

در سرنگون ساختن رژیم استعمار زد و استبدادی شاه، در بنای جامعه ای نو، جامعه ای آزاد، آباد و شکوفان رهنمون گردید.

این نیروی عظیم آید های سازمانی، این سنت و تجربه مبارزه طولانی آنچنان وزنی به طبقه کارگر ایران میبخشد که امپریالیسم و ارتجاع ایران را بوخت میزند از... بهبود نیست که در امر مرگ امپریالیسم و ارتجاع پیوسته صفوف وی بود رهبران صنفی و سیاسی ویران روگردانست و میبکند، در همین حال بهبود نیست که حتی رژیم ضد کارگری کنونی ایران و در بر آن شاه طوسی سالهای اخیر با عوام فریبی میگردند توجه طبقه کارگر را بخود جلب کند. این نیروی خلاق و ارزنده، این نیروی کفتم نعم مادی کفخ نشینان محصول بازوان توانای آن است، خود در شرایط بسیار سخت و دشواری بسر میبرد. طبقه کارگر ایران صد اقی کامل این سخنان لنین است:

مرکب سوشنی از توانگران تن آسان که کارگاه ها، کارخانه ها، افزارهای کارواشین ها را در چنگال خویش گرفتند و ملیونیس را هتکار زمین و کوه هائی از پول را با مالکیت خصوصی خود در آورد ما دولت و ارتش را بخندت خویش گمارده و باسد ارثوت انباشته خویش ساخته اند.

مرسوی دیگر ملیونیهاتن از محرومان که باید از توانگران التماس کار داشته باشند؛ با کار خودشان سازند همه شروت ها هستند ولی در سراسر عرض خاطر لفظای نان رنج میبرند و چنان در جستجوی کارند که کوشی در تنهای صد قانند؛ نیروی رستی خود را در زحمات طاقت فرسا از دست میدهند و در پیغوله های د هات و د خمه ها و خرابه های شهرهای بزرگ گرسنگی میکنند.

رژیم ضد کارگری شاه هیچگونه حقی نه صنفی بتناجتماعی ونه سیاسی برای طبقه کارگر ایران نمی شناسد، اعتصاب کارگران را برای بهبود زندگی و کار کمزشکن باخشونت سرکوب میکند، با گلوله پاسخ میدهد و در همین حال برای فریقتن آن از هیچ نیرنگی روگردان نیست.

مبارزه طبقه کارگر ایران و از آنجمله بقیه در صفحه ۲

طبقه کارگر ایران دارای آنچنان شخصیت و آنچنان قدرت و نیروی است که حتی دشمنان سوگند خورده آن نیز نمیتوانند توجه خود را بدان معطوف نمایند و در صد جلب آن بر نیایند.

شخصیت و نیروی طبقه کارگر ایران در کجا است؟ نیروی طبقه کارگر نخست در وابستگی آن به شرقی ترین و انقلابی ترین شکل اقتصاد است، آن شکلی که از طبقه کارگر انقلابی ترین و در مبارزه قاطع ترین طبقه جامعه معاصر را میسازد. طبقه کارگر ایران در جریان تکامل جامعه همواره کفیت و کیفیت خود را ارتقا میبخشد، آینده از آن او است و تکامل جامعه در جهت آرمانهای والای او.

نیروی طبقه کارگر ایران سپس در مبارزات او است. طبقه کارگر ایران نزدیک به هفتاد سال مبارزه طبقاتی در پشت سر دارد. در دوران انقلاب مشروطیت ایران اگر چه طبقه نوزاد و نواستعماری بود و هنوز از لحاظ کفیت و کیفیت مقام شامی نداشت، معذک در این انقلاب سهم خود را از کرد، در هات سال است که مبارزه طبقاتی را در تمام اشکال اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیک ادامه میدهد. سازمانهای صنفی طبقه کارگر ایران دارای سنت تشکیلاتی و سنت مبارزه طولانی است؛ اتحادیه های کارگری ایران طی رزم تلاشهایی که برای ایجاد اتحادیه های زود بعمل آمد، علی رزم کوشش هائی که برای تشتت و تفرقه در صفوف آن صورت گرفت، همچنان یکپارچه وفادار به حزب سیاسی خود باقی ماند، حزبی که بیش از پنجاه سال است با هیچ وجود گداشته است. طبقه کارگر ایران در سراسر دوران حیا خود همواره در شرایط ترویر و اختناق بسر برده و اشکال مختلف مبارزه را از سر گذرانیده است و در نتیجه دارای آگاهی سیاسی و تجربه مبارزه غنی است، آنچنان آگاهی و تجربه ای که هیچ یک از طبقات و قشرهای دیگر از آن برخوردار نیست.

نیروی طبقه کارگر ایران بالاخره در اینست که فقط این طبقه میتواند همه زحمتکشان را بگرد خویش گرد آورد، آنها را

## «حزب تهمام خلق»!

سابق رسر میدهند که امروز در فرهنگ احزاب و موکرات جهان پیشرو ما و از همه کترین جدیدی میخوانید که است. این مردمان پست چه کنند؟ اگر به پستی گردن نهند که در مقامات بالانسی نشینند.

با این احوال بر این تقلید نیز مهر شاهنشاهی خود داشت حزب شاهنشاهی این خصوصیت را دارد که با آنکه هنوز تشکیل نشده، طرف چند روز ملیونیهاتن خود دارد؛ یکپارده و یکروزنامه های مزدور کشور تمام صفحات خود را به اعلاناتی متحد الشکل درباره پیوستن به حزب اختصاص دادند تا این شیوه برای مرد کشور ما نا آشنا نیست.

عضویت اجباری افراد در حزب قلابی شاه ساخته، پذیرفتن اصول سه گانه نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت را الزامی میگرداند. مردم در سراسر کشور مجبورند این سه اصل را بپذیرند و مجبورند به عضویت حزب قلابی در آیند. مردم ایران باید نظام شاهنشاهی را بپذیرند که مانند لکه تنگی هنوز بر امان کشور باقی است و باید هر چه زودتر آنرا زود؛ باید به قانون اساسی وفادار باشند که پیری است دوران آن سرآمد و باید به موزه تاریخ ایران سپرده شود؛ باید بر انقلاب شاه و ملت صحه کنند؛ ارند که رفغان آن سلطه به سابقه امپریالیسم بر کشور ما، بتاراج دادن ثروت های عظیم میبیند، فقر و سیه روزی و اسارت خلقهای ما و تا به سامانی و فساد و هرج و مرج جامعه ما است. شاه از مردم پذیرش چیزی را می طلبد که سالها است آنرا با نفرت و انزجار رد و رافکنند. اما توقع شاه اینست که همه، هر شخصی که بمن قانونی رای دادن رسیده باشد، از همین حالا تا فردا در اولین فرصت تکلیف ملی خود ش را روشن بکند و به این تشکیلات وارد شود. کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و معتقد و مؤمن به این سه اصلی که من گفتم نباشد در راه برایش وجود دارد؛ با یک فردی است متعلق به یک تشکیلات غیر قانونی. یعنی باز با اصطلاح خودمان موافقت اثبات بیوطن و او جاییش در زندان است. بقیه در صفحه ۲

شاه و دلک در باره او هود همیشه بر آن بودند که فلسفه شاهنشاهی و انقلابات شاهنشاهی اصالت ایرانی دارند و از خارج تقلید نشدند. اکنون گشاه میبکند و وحزبی پایا ن داد و کدی یک حزب واحد را پیش کشید و زبان هود ا باز میشود: سیستم چند حزبی از خارج تقلید شده بود. راست هم میگوید. شاه ایران در امور کشور در تمام زمینه ها ادای دیگران را در ماورد و این انلاه در انطباق با نظام شاهنشاهی به مضحکترین وجه در ماورد تا به آن ویژگی شاهنشاهی میبخشد.

خصوصیت وحزبی در کشور های دیگر اینست که واقعا دو حزب طی ده سال و بر اساس سنت های دیرین در موکراسی به روز وائی جا افتاده اند. از آن دو یکی حزب اکثریت است و دیگری حزب اقلیت. با توسل به مانورها و خدعه های انتخاباتی که به روز وائی در آن استاد است گاه گاه اقلیت اکثریت میشود و زمام امور کشور را در دست میگیرد. چنین است سیستم وحزبی در آمریکا و انگلستان. در ایران سیستم وحزبی از خارج بهاربت گرفته شده بود اما ویژگی آن در این بود که شاه بعد از دستور او بود که حزب بسازند و اکثریت شوند و به عدای دیگر مرفرود بود. کنترل اقلیت را بازی کنند. قریب بیست سال این کدی در کشور ما اد امیافت، اما ظاهر ا اقلیت نتوانسته رضایت خاطر طوطو گانه را فراهم آورد و نقش خود را آنچنان گشاه میخواست بازی کند؛ تصیر هم ند ارد چون شاه خود بر آنست که این ریل قابل بازی کردن نیست.

اکنون بنا بر هوی و هوس شاه این کدی باید سر آید و کدی دیگری بر روی صحنه آید اینست که اینبار به تقلید از نرال مووتسو احزاب همه منحل میشوند و سیستم یک حزبی در سراسر کشور برقرار میگردد. مووتسو از انحلال احزاب قدهی جنبش تود های انقلاب! راتا سس کرد که تمام اهالی کشور زیر بطور اتوماتیک عضو آند. تمام کسانی که با جناب مووتسو سازگارند آردند و نخواهند با او جنبش او بخت کنند به خارج از کشور تبعید میشوند. تقلید حزب رستاخیز ملی ایران از جنبش تود های انقلاب مووتسو گام روشن است، معذک مزدوران رژیم با زهم همان نغمه

## موفق باد پیکار بخاطر احیا حزب طبقه کارگر ایران!



شاه در... بقیه از صفحه ۱ مشخص خواهد کرد. شمره این ملاقات موافقت نامهای مبلغ پانزده میلیارد دلار است. هم کاری ایران با هیچ کشور دیگری برای چنین وسعتی نبود ماست و خود نشان نزدیکی روابط دوستانه ایران با امپریالیسم آمریکا است. طرفین هیچکدام این دوستی نزدیک را پنهان نمیدارند. در زمینه سیاسی نیز واقعیت جز این نیست. شاه صریحا از آن میکند که در صورت تحریم نفت در آن شرکت نخواهد جست. مرکز کاری نخواهد کرد که در جهت خلاف اراده سیاسی آنها (دولت و کنگره آمریکا) باشد. شاه هوادار حضور نظامی آمریکا در ایران نیست و خواه میانه است. به نمایندگی از جانب امپریالیسم آمریکا وظیفه ژاندارمی منطقه را برعهده گرفته است. او حتی هم کاری خود را با "سیا" می پوشاند و به خبرنگار تلوزیونی سی. بی. اس آمریکا میگوید "روابط ما با کشور شما یا "سیا" فقط مبتنی بر همکاری است و این همکاری بیشتر (و نه منحصر) توفان) در زمینه مبارزه اطلاعات است. "ماجیزهایی را که میشوند مسکن است جالب باشد احتمالا به "سیا" میدهم." (خواننده نهمی شماره ۲ بهمن ۵۳)

در این صورت که سبب جرحه در امیای دارد که شامرا تپید کند. شاه خود این امر را برهوشی تکذیب میکند. همین خبرنگار تلوزیونی از شاه می پرسد: "لطیف حضرت واقعا فکر نمیفرمایند که هنری کتی سینجر خواسته باشد شاهنشاه ایران را تپید کند؟ پاسخ: "ما و ستان خوبی هستیم... فکر نمیکنم کمبود کتیر کتیر کتیر کتیر... دیگری تپید بد کنیم". خود کمی سبب جرحه است که شاه ایران دوست مطمئن است که میتوان با اعتماد داشت. از توت لاکوالتی تصور سن مورس ۱۱/۱۷۴) وزیر خارجه آمریکا در ملاقات اخیر خود با شاه در تهنیت گفت و افزود که شاه بر سر این نکته توافق دارد که این ر روابط هرگز به این خوبی نبود ماست. روزنامه واشنگتن استار بر آنست که "ایران از دستان سیاسی واشنگتن بود هوکی از امید- هائی است که میتواند باعث بوجود آمدن ثبات در منطقه بحرانی نفت خیز خاورمیانه باشد." (لو موند، ۲ فوریه ۱۹۷۵) و این رشته سر دراز دارد.

چنین است ادعای امپریالیسم آمریکا که... شاهنشاه در داخل سیاست شاه از لحاظ سیاسی برانداختن هرگونه آزادی بهای مکرراتیک و سرکوب بیرحمانه عناصر نیروهای انقلابی است که در برابر نفوذ روز افزون امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم در ایران ایستادگی بخروج میدهند و از لحاظ اقتصادی و اگر سیاست اقتصادی واقعا وجود اشتهاست سیاست شاه سپردن شریانهای حیاتی اقتصاد ایران بدست امپریالیسم است. در نظر نگرید که بنا بر اطلاعات مورخ ۱۲ آوریل ۵۳ هشتاد درصد درآمد دولت در سال ۱۳۵۴ از نفت تا بین میشود و سرمایه های امپریالیستی بر اقتصاد ماحکوم دارند بخش بسیار مهمی از اقتصاد کشور از نظر نظارت امپریالیسم است. مستشاران آمریکائی نیروهای نظامی ایران را کنترل میکنند، کارشناسان آمریکائی و هندستان اسرائیلی آنها سازمان امنیت را میگردانند. آموزش و پرورش در کشور مارنگ آمریکائی بخود گرفته است حتی زبان ما از آموزش زبان انگلیسی مصون نماند است. زبان انگلیسی در مواردی جایگزین زبان پارسی میشود. روزنامه اطلاعات بانلخی اعتراف میکند که تمام سخنرانیهای دوین جلسه بزرگداشت مولوی به انگلیسی ایراد شد حال آنکه علاوه بر سخنرانان اکثریت قریب باتفاق حاضران در جلسه فارسی زبان بودند و از همه معترض موضوع بحث تجلیل از بزرگترین شاعر متصرف ایران بود. (۴ دی ۵۲)؛ برای استخدام در موسسات مختلف دانستن زبان انگلیسی الزامی است... اینها است جلوه هائی از سیاست داخلی شاه.

همین شاه که فکر کرد کوشش بیوسست و کوشش تمامغزاستخوانش بیگانه پرست و باخلق ایران بیگانه است باد در گویی اندازد امپریالیسم آمریکا را تپید بد میکند که قیمت نفت را پایین نخواهد آورد و حاضر است نان و نمیر بخورد و قیمت نفت را پایین بیاورد مثل اینکه میزان افزایش قیمت نفت با اراده او صورت گرفته است که اکنون بتواند آنرا تنزل دهد. شاه در مصاحبه خود با یکی از خبرنگاران خارجی در مورد افزایش قیمت نفت چنین توضیح میدهد: "مرومقی که در ماه دسامبر ۱۹۷۳ خواستار قیمتی معادل ۷ دلار برای هر بشکه ششم شرکتی نفتی با سایر کشورهای خلیج فارس به مذکره در باره مشارکت بطریق ۴ درصد و ۶ درصد برداشتند و در نتیجه بهای نفت به میزان فعلی یعنی ۹ دلار و ۷ سنت افزایش یافت. من اینکار را نکردم شرکتی نفتی کردند." (اطلاعات ۱۲

فرخنده هاد... بقیه از صفحه ۱ مبارزات اقتصادی آن بحالت خیانت روز بروز دستها ضعف مبارزان راه طبقه کارگر بدین رهبری است. طبقه کارگر ایران فاقد حزب سیاسی خویش است و بدین حزب سیاسی در شرایط دشوار و فرنج ایران مبارزه طبقه کارگر همواره خود رواست. احیا حزب طبقه کارگر با آنچنان حزبی کشایستگی این عنوان را داشته باشد، سر آغاز تحول کیفی در مبارزه طبقاتی است. از اینجهت شایان اهمیت است که مبارزانی که بخاطر سرنگونی رژیم شاه بطرد کامل امپریالیسم و ارتجاع و تامین آزادی و استقلال و رفاه و ترقی میروند در صفوف کارگران رخنه کنند مبارزه آنها را سازمان دهند، عناصر پیشرو و آگاه آنها را در کنار دیگر مبارزان راه طبقه کارگر، در سازمان سیاسی طبقه کارگر گرد آورند. تنها از این طریق میتوان مبارزه نیروهای انقلابی را جهت داد و نیرومند و هم آهنگ ساخت و به پیش برد. برای جلب طبقه کارگر مبارزه هر چه باشد شکل این مبارزه بناگزیب باید در صفوف آنان بود و نه اینکه بنا بر اراده خود به پیش تاخت به این انتظار که کارگران و زحمتکشان انبی خواهند آمد. رخنه در صفوف کارگران و دیگر زحمتکشان بویژه که اکنون در کار مبارزه با رژیم خونین شاه تجارب فراوانی بدست آمده میریزند و وظیفه عناصر و نیروهای پرولتری آگاه است و باید با تمام قوا و با استفاده از تمام امکانات و فنون مبارزه به آن پرداخت.

امسال هم روز اول ماه در شرایط ترو و اختناق برگزایی میشود. شاه و رژیم او بار دیگر این روز و وسیله عوامفریبی و تبلیغ گمراه کننده قرار میدهند. پاتا "سیس" حزب "رستاخیز ملی ایران" شاه انتظار دارد که کارگران در زمره اولین صفوفی باشند که به این "حزب" می پیوندند، حزبی که گویا مظهر وحدت ملی است و باید کار و سرمایه را با هم پیوند دهد. هم اکنون بدستور سازمان امنیت صحنه سازی مسخره پیوستن کارگران به این "حزب" در تمام واحد های تولیدی در جریان است.

این صحنه های مسخره هیچکس را و کتر از همه کارگران را نمی فریبد. کینه و نفرت همگان نسبت به رژیم شاه آنچنان است که دیگر رهمه جا و همه حال و بهرنا سبت بصورت اعتراضاتی تظاهر میکنند سازمان ما جشن اول ماه مباره طبقه کارگر به تمام زحمت کشان ایران شاد باشد میکند و یکبار دیگر ما طبقه کارگر ایران تکلیف عهد میکند و میگوید پیوند خود را با کارگران تحکیم نماید. سازمان ما با یگان کامل دارد که طبقه کارگر ایران حزب سیاسی خود را احیا خواهد کرد و با این سلاح نیرومند انقلاب و مکرراتیک ملی را رهبری خواهد نمود و پایان خواهد رسانید.

فرخنده هاد جشن اول ماه در روز هبستگی کارگران جهان! پیروز باد مبارزات طبقه کارگر ایران! موفق باد پیگانر باخاطر احیا حزب طبقه کارگر ایران!

آبان ۵۳

با این ترتیب معلوم است که این لافزنها و قیافه پهلوانی پنبه گرفتن ها همه بخاطر فریب افکار عمومی است. بالاخره امروز هیچکس نمیتواند به نوکری امپریالیسم افتخار کند و باید گاهی برای حفظ ظاهر در برابر ارباب خود بایستد. این بسود ارباب است و ارباب آنرا خوب میفهمد. سفیران و وزیری هم در برابر تپید ایدات آمریکا مانند شاه ایران فریاد برآوردند که مفت ران بر زمین نگاه میداریم و شیرین میخوریم. اگر اینگونه تظا هرات در برابر ارباب امپریالیست نشانه مبارزه ضد امپریالیستی باشد آنگاه باید از آن انکار کرد که نه لون نول دست نشاندۀ امپریالیسم است و نه تیو و اصولا در جهان امروز سگ زنجیری و استعمارنویس مذهبوی پوج و تو خالی است. در نیائی که تورم در آن پیدا میکند بهای گاز تحویل بشوری را ۸۰ درصد افزایش دادند و تازه آتار با قیمتی برابر یک سوم بهای آن فروختن مبارزه با بر قدرت شوروی نیست با امکان داد و ستد با تکراری وی است.

شاه در حیلکاری و نیز رنگ بازی سرآمد حیلگران است همه فوت و فن فریبکاری را میداند یا با او میآموزند. فریبکارهای او در درون کشور کسی را نمی فریبد. مردم ماطی پنجاه سال تجربه در بافتا که شاه و خاندان فاسد و ننگینش از چه فاشی است. اما این عوامفریبی ها همراه با تبلیغات وسیعی که شاه بفرصه بین المللی براه انداخته است هنوز میتواند کسان با حسن نیتی را در خارج از کشور به گمراهی بکشد.

نیروهای مکرراتیک ایران در خارج از کشور بویژه کفدرال- سیون دانشجویان ایرانی وظیفه سنگینی برعهده دارند با آنها باید موازی با توسعه تبلیغات شاه در خارج با فضاگری رژیم رابا شدتی متناسب با امنه این تبلیغات دنبال کنند.

حزب تمام... بقیه از صفحه ۱ و پاترک زاد و نوم نیاکان خود. شاه مانند موبوتو افراد مملکت را بر سر یک دوراهی قرار میدهد یا پذیرفتن اصول سه گانه و عضویت در حزب قلابی سه ساخته یا پیوسیدن در زندان بکرسنگی و بیخانمانی و تاتمعد به خارج از کشور.

واقعیت غم انگیزی است که تمام امور کشور ما باید اخله اجانب در دست مردک زلفه وطن فروش هوسبازی افتاد ماست. در رفاهی او همین هر که حتی فکر ساد مای را هم قادر نیست بد رستی بیان کند بگفته های او نرسد ارد و نه ته و بیشتر به هذیان میماند. زبان مادری برای او بیگانه است بحق هم دارد چون خد متکزار اجنبی است.

اوسپن زرخیز ما را سالهاست به حراج گذاشته و هر بخشی از آنرا به بیگانگان فروخته است و میفروشد با آنگاه برای پرده کشیدن بر وطن فروشی خود مبارزان راه آزادی و استقلال ایران را بیوطن میخواند.

از روی هوسبازی یکبار و برش میگوید که ادای مکرر اسای غریب را در آورده به عدای میگوید اکثریت شوند و عدای نقش اقلیت بازی کنند. پس از مدتی هوش فروبی نشیند "ویر" دیگری به سرش می افکند. شب میخوابد و خواب آشفته می بیند، صبح بدعت احمقانه ای میاورد و فلامان خانه زاد را امید دارد که به سازتازه او برهند. همین یکجا پیش بود که "کنگره" حزب ایران نوبن با کبک و بد به "فراوان" تشکیل شد، احزابی از کشورهای مختلف جهان و از آنجمله از کشورهای "سوسیالیستی" نمایندگانی به کنگره اعزام داشتند که "موفقیتهای" حزب را ستودند و خود هویدا از جانب "کنگره" به "میرگی" حزب انتخاب شد، رهبری "حزب" برای انتخابات آینده "برنامه" جامعی ریخت و از همه اعضای "حزب" خواست که بخاطر آن فعالیت کنند. اما شاه بناگذاشتام این قصر کفندی را در هم ریخت. همین هویدا که "میرگی" حزب ایران نوبن و ظاهرا از طرفی "کنگره" انتخاب شده بود به یکبار "میرگی" حزب رستاخیز ملی شد. تاد بریز "حزب اقلیتی" بنام "مردم" وجود داشت، میان اکثریت و اقلیت مجابله های مضحکی روی میداد و بر جز خواننیائی صورت میگرفت. "یک عدای از شما که گفتم مومن هم هستید یا شاید به تشویق خود ما در واقع رل اقلیت وفاداری را بازی میکردید با زنی کردن رل اقلیت وفادار در این مملکت خیلی مشکل است که اینک ما بدیم که یک "میرگی" مثلا حزب مردم تا بحال نتوانست با مقامیت بکند یا اینکه رل خود را بازی بکند؛ برای اینکه این رل قابل بازی کردن نیست. اما شاه از این خیمه شب بازی اقلیت و اکثریت حوصله اش پسر آمد، اینست که امروز اقلیت و اکثریت را در سلك حزب واحدی دربی آورد. البته "احزابی" که بنا بر هوئی و هوس شاه ظاهر میشوند و چیزی جز نام ندارند از امروز فردا از روی هوسبازی نمیتوانند فصل اعلام شوند. تاد بریز وجود سیستم دو حزبی نشانه "میرگی" مکرر اسای بود در درون کشوری که از آن کترین هوئی مکرر اسای به شام میر "مردم" وجود حزب واحد نشانه "وحدت ملی" است. شگفتانر که کتیرا مانند ایران که تمایز طبقاتی و اختلافی منافع طبقاتی بعد اعلام خود رسیده است که کتیرا کافی است مردم را به جبر در حزب واحدی جای داد برای آنکه "وحدت ملی" مین گردد. چنین افکار نامعقول فقط از مغز طبل ووسیدۀ "شاهنشاه" میتوان بیرون آید.

با کدی جدید "حزب واحد" که با دست شاه بر روی صحنه آمد و هیچ تغییری در ادارۀ امور کشور روی نمیدهد چون شاه همچنان فرمانروای خود کاهه باقی میماند. تنها نتیجهای که از آن حاصل میاید اینست که تضاد میان گروه ها و افراد طبقه ها حاکمه و نیز تضاد میان خلقهای ایران رژیم شاه را تشدید خواهد کرد.

از «آلبانی امروز»

"خلقها، بویژه خلق های کوچک در معرض خطر بزرگی قرار میگیرند چنانچه امید به بندندگی یکی از دوا بر قدرت امپریالیست مسکن است آنها را تحت "حمایت" خود بگیرد. این "حمایت" که به آنها عرضه میشود در واقع چیزی جز درآمد این خلقها در زیره مناطقی نفوذ یکی از این دوا بر قدرت، درآمد آنها تحت انقیاد و استثمار آنها نیست."

(آلبانی امروز شماره ۵ - ۱۹۷۲)



يك نيزنگ ... بقیه از صفحه ۴

اکنون چون در میان کشورهای سوسیالیستی

دوستی نیروی حاکم است. قابلیت دفاع امنیت آنهاست. بر قدرت صنعتی مجموعه اردوی سوسیالیستی است. هر کشور اروپائی دموکراتیک می تواند در زمینه رشد آن شعب صنعتی و تولید آن نمایی تخصصی را به وجود آورد. ما تطبیقی و اقتصادی سیاست ...

(تکیه از ما است - توفان)

این سیاست شوروی در بیست سال گذشته طی مراحل چند جا عمل پوشید و امروز کشورهای سوسیالیستی مردم ادغام شدند. صورت مجموعه واحد درآمد ماند که در آن تمام تسه های گردن خیزهای اقتصاد آن در دست امپریالیسم شوروی است. واقع کشورهایی سوسیالیستی بصورت زنده هائی از اقتصاد شوروی در آمده اند.

اتحاد شوروی قبل از هر چیز به این امر پرداخت که مواد اولیه و مواد خام صنایع تخصصیافته این کشورها را در دست خود متمرکز سازد. در آغاز کشورهای دموکراسی بود. این بود که این مواد را از صنایع مختلف دست آوردند تا در ادوایستی نیفتند. اما شوروی بدین رنج آنها را از این کار باز داشت و خود را بصورت یگانه یا تقریباً یگانه صنایع حاصل مواد خام و اولیه را از صنایع آنها برداشت. اکنون صنایع سوخت و انرژی ایمن کشورهای غربی و آن صنایع را که در گذشته تقریباً در دست اتحاد شوروی است. لوله نفتی روسی، لوله گاز برادری، نفت و گاز را برای اتحاد شوروی به ارمان می آورند ولی شیرین لوله ها در اتحاد شوروی است. کلمات روسی "و برادری" چه کلمات گوش نواز است! امپریالیسم شوروی از این کلمات و اصطلاحات زیاد بکار می برد ولی در پشت آنها فقرات ثروت و دسترنج خلق ها و برادر رفتن آزادی و استقلال آنها نهفته است.

بنا به نوشته روزنامه "ایزوستیا" (۲۳ نوامبر ۱۹۶۸) اتحاد شوروی نیازمند بهای اقتصاد چکسلواکی را در زمینه نفت بطور کامل تامین میکند. بنا به نوشته روزنامه "مصر" ۲۳ رگان حزب کمونیست آلمان غربی ۹۰ درصد نفت آلمان شرقی (۱۰ میلیون تن) از اتحاد شوروی است. به علاوه آلمان شرقی از اتحاد شوروی ۳/۳ میلیارد متر مکعب گاز، ۲ میلیون تن فرآورده های آهنی، ۳/۴ میلیون تن زغال سنگ و ۲/۸ میلیون تن سنگ آهن و سنگ گز و کرم ۸۰ هزار تن پنجه ۲/۶ میلیون متر مکعب چوب و ... وارد میکند. بدین این مواد صنایع آلمان شرقی از گردش می افتند.

مجارستان را از صنایع نفت است و می تواند نیازمند بهای خود را با استخراج آن تامین کند. اما بهر حال شوروی بهای سرمایه گذاری در این رشته بهدرد آن سرمایه است چون اتحاد شوروی می تواند نفت و گاز مورد نیاز مجارستان را به او برساند و بهتر آنست که مجارستان در چارچوب شوروی تخصصی تولیدات دیگری برود. در نتیجه مجارستان مجبور است نفت و گاز را از اتحاد شوروی به قیمت هنگفتی خریداری کند. مواد خام اولیه نیز مانند پنجه و کرم و سنگ گز، چوب، سنگ آهن، سنگ گز، کرم، مشتقات نفتی، آهن، فولاد و غیره و غیره مشمول همین قاعده است. بطوری که مجله "مجار" مجاری می رسد (شماره ۱ سال ۱۹۷۲) در پنج سال اخیر ۱۰ درصد مواد خام مجارستان از شوروی تامین میشود. برای برخی از کالاها (نفت سوخت و بیل، سنگ آهن، آهن خام، چوب برای صنایع کاغذ سازی) اتحاد شوروی ۱۰ تا ۱۰۰ درصد نیازمند بهای ما را تامین میکند.

در درون شورای تعاون اقتصادی "نفتها" مواد خام و اولیه صنایع در دست امپریالیسم شوروی است بلکه گردش تجارت خارجی این کشورها نیز پیوسته بسود شوروی و بزبان دیگر کشورهای برادر است و به سخن دیگر اتحاد شوروی تجارت خارجی این کشورها را همواره بیشتر بخود اختصاص میدهد. اینک چند رقم:

واردات لهستان	از شوروی	از چکسلواکی	از آلمان دموکراتیک
نسبت به مجموع	۱۹۰۰	۱۳/۲ درصد	۱۱/۵ درصد
تجارت خارجی آن	۱۹۶۸	۳۵/۴	۱۰

ارقام صادرات لهستان به این کشورها نیز در همین جهت سیر میکند.

واردات مجارستان	از شوروی
۱۹۷۰	۱۹۴۷
۳۶ درصد	۱۳/۱ درصد

واردات بلغارستان	از شوروی
۱۹۶۸	۱۹۵۶
۵۲ درصد	۳۳ درصد

بلغارستان در ۱۹۵۶ تقریباً به پنجم تراکوری خود را از اتحاد شوروی وارد میکند و بقیه را از چکسلواکی، یونانی و آلمان دموکراتیک در ۱۹۶۸ تقریباً صد درصد تراکوری وارداتی از اتحاد شوروی است.

واردات سوخت و بیل بلغارستان از اتحاد شوروی از ۱۹۰۰ تن (در ۱۹۵۶) به ۴۰۹۰۰۰ تن (در ۱۹۶۸) افزایش یافت. طی همین مدت واردات از یونانی از ۱۳۹۰۰۰ تن به ۲۷۰۰۰۰ تن کاهش یافت.

بلغارستان در ۱۹۵۶ چهارده هزار ساعت از شوروی میخرد و ۱۰۰۰۰ از آلمان دموکراتیک در ۱۹۶۸ خرید از شوروی به ۶۶۱۰۰۰ عدد بالغ کردید و سهم آلمان دموکراتیک تا ۶۰۰ عدد کاهش یافت.

این ارقام و ارقام فراوان دیگر نشان میدهند که روابط اقتصادی میان کشورهای شوروی تعاون اقتصادی همیشه یکجانبه متوجه اتحاد شوروی است. اتحاد شوروی در جمع کشورهای عضو "شورای تعاون اقتصادی" مانند کشورهای سرمایه داری امپریالیستی عمل میکند و در ادواری آنست که "برادران" رقیب را از بازار این کشورها براند و محصولات خود را بجای محصولات مشابه این کشور بفروش رساند. آنجا که صنایع شوروی ایجاب میکند کشور برادر رقیب اقتصادی بدل میشود که باید بهر وسیله ای او را از میدان بدر کرد. از امپریالیسم شوروی جز این هم انتظار بهبودی است.

گرچه وجود پشتیبانی خود را از سیاست هند اعلام کرد و برای آن سرود تمجید خواند. این نمونه دیگری است از وقاحت تجاوزکاران امپریالیسم روس به خاطر دست یافتن به مقاصد تجاوزکارانه خود که حتی از استعداد از شیطان هم روی گردان نیستند. اما این وسیله فقط خود را بیشتر افشایند. سیستم امنیت جمعی آسیای جنوب شرقی، به مثابه راهی که برزخ برای خلقهای آسیای جنوب شرقی است. آنها را برای مقاصد هزارانانه و سیادت طلبانه خود مورد استفاده قرار دهد، افشا میشود.

وقایع که میرومانند وقایع خاورمیانه بقرس و نظائر آنها همه مجدداً آنگاه برآیند که سوسیالیسم امپریالیستی شوروی مانند امپریالیستهای آمریکا خصوصیت های که ندارند و میکنند تا موجب تصادمات بین خلقها گردد و آنها را تضعیف نموده و تحت قیومت خود در آورند. خلق کشمیر خود حاکم بر سر نوشتش میباشد.

امپریالیست های ... بقیه از صفحه ۴ دست به تحریر کردند زمانی که آنها به پاکستان حمله کردند و غیره مسکن بر ما چارچوبی در دست بزرگشده گذاشت و علاوه بر این اسلحه و پول در اختیار او قرار داد. زمانی که افکار عمومی بین الطلیح الحاق سیکیم را محکوم نمود، سوسیالیسم شوروی به پیشوازیند برآگاندی رفت. خبرگزاری تاس به مقاومت خلق سیکیم بعنوان مانعی که باید آنرا از سر راه برداشت اشاره کرد. بر سر مسئله کشمیر سوسیالیسم امپریالیستی شوروی از ارتجاع هند بوضوح پشتیبانی نمود مانند "خبر" شریف در زمان خود اعلام کرد که کشمیر جز اتحاد هند وستان بود و تمام کشمیر به هند تعلق دارد. دانشجویان او برزخ و هند ستا نش همان راه را ادامه میدهند.

اتفاقی نبود که هند درست موقعی قرار داد پاکستان را اعلام نمود که گرچه با مالهای دیگر تنش فاشیستی روس وارد هند کردند.

### بیمه

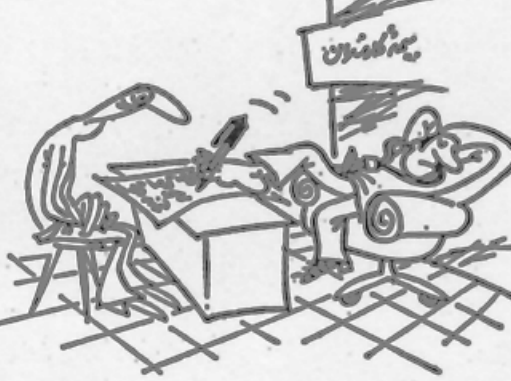
## کمندی درام بیمه

لطفا هنگام خواندن این مطلب بخندید زار زار گریه کنید!

✽ ✽

من تا وقتی بیمه نشده بودم نمی گفتم درام را بدستی نمیدانستم ... خیال میکردم و تورو بسکت و چاری چابک این الکی اسم در کشمیر پیش خود میگفتم که بیمه منتهی هم بخندیدار بلکه هم گریه دارم! و استلال میکردم که آدم یا کافره یا مسنون .. هم کافر و هم مسنون که نیست ... اما از وقتی بیمه شدم فهمیدم که ای دل خال سالها در خواب غفلت بودم بیمه یعنی همین دیگه ...

جریان را از وقتی دردم کردم که وارد مطب پزشک شدم ۳۷ نفر قبل از من آمده و نشسته بودند ... ۵۰ تا ۵۰ تومن چندر بیمه؟ نمیتواند حساب کتیب هرچی میخواهد بده ... ما که بخیل نیستیم ... مهم اینست که آقای دکتر اولتب وقت نداشته باشد را ببیند ... بگذارید جریان را درست تعریف کنم وارد که شدم سگرتی ترگل و در گسل دکتر که از لیب صحبتان معلوم میشد با دکتر خیلی نزدیکتر از زن و شوهرند پرسیدند بیمه هستید؟ من نادانم از خبرهای روزنامه ها باز فده بودم با انگار گفتم بده طرف (همان دختر کلبه سینه را عرض میکنم) چنان با دلخوری فرمودند مطالبه آقای



دکتر وقت ندارند که من کردم بکنتر یک پس گردنی محکم خوابوند پس کلام!

گفتم بنده را وقت ندارند ببینند یا هیچ مریضی را نمی بینند ... فرمودند آقای دکتر مریض بیمه نمی بینند گفتم منکه بیخود مراجع تکرارم اسم ایشان جزء پزشکان بیمه هست ... فرمودند عرض کردم که مریض بیمه نمی بینند ... پرسیدم ویزیت ایشان چند است؟ گل از گل خانم سگرتی شکفت و با خوشحالی فرمودند ۵۰ تومن ... و اضافه کردند با تعیین وقت قبلی ۲۰ تومن در خانه خیلی آهسته و پویانگی گفتمد فوریه ... چندم چاره ای نیست تحمل درد و ناراحتی را ندارم گفتم چنم ۷۰ تومن انگار میگفتم دو تا آبجو خوردم و دو تا سیخ کباب گوییده! ۷۰ تومن را دارم و چند لحظه بعد در میان اعتراض و تاله و نارین و بیت و حیرت مریضهای حاضر دکتری که وقت نداشت مرش را بخاراند با سلام و صلوات بنده را پذیرفت.

پس از معاینه گفتم آقای دکتر شما که حق خودتان را گرفتید نشه بنده را روی دفترچه بیمه بنویسید که پول گتری بدهم ... چون مسئله برایش فرقی نمیکرد با صحبت گفت ای بیمه و نشه را نوشت ... اولین داروخانه ای که نشه بیمه میباید آنچنان شلوغ بود که صور کردم زمان جنگ است و دینتک میهداد و داخل نشه خارج شدم! دومین داروخانه داروخانه ای که دکتر نوشته بود نداشت سومین داروخانه نشه بیمه نمیباید ... چهارمی چنان با حشرات نگاه کرد که خجالت کشیدم از اینکه بیمه شدم و پنجمی فقط نصف داروها را داشت گفتم همان را بدهید و پول همان را بگیرد قبول نکرد گفتم نصفش را خط بزنید گفت دفترچه بیمه مثل دست چک است مگر میشود در آن دست برد گفتم پس چاره چیست؟ گفت باید برید خود دکتر آرا اصلاح کند.

داروخانه ششمی ... همین جواب را داد هفتی وهتسی و نهی و نهی ... ساعت ۱۱ شب بود که خسته و کوفته و بدون گرفتن دارو بمنزل میرفتم و ضمن صحبتان شدید از یادآوری آنچه برایم پیش آمده بود غمگین میشدیم و در آن لحظات بهرانی بود که فهمیدم کمندی درام یعنی چه و چطور ممکنست کسی هم دلتش خون باند و هم غش غش بفتند!

کیهان ۱۲ دی ۱۳۵۲

فقط اواسط که حق دارد در مورد مسائل خود تصمیم بگیرد. سبب تجاوزگرانند هند برانگیزند و خشم در کشمیر و بین افکار عمومی بین الطلیح گردید ما ست که ما جراحی مقامات د هلی و پشتیبانانشر را بشدت محکوم میکنند. در پاکستان نیز نظرها را متعدد دی و وقوع پیوست بگذر آنها خلق پاکستان از خلق کشمیر و از حق وی بر تعیین سر نوشت پشتیبانی کردند.

عنوان مکاتبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

# شاه تبلیغات خود را توسعه میدهد، پیش از پیش او را افشا کنیم



# یک نیرونگ نو استعماری «تقسیم سوسیالیستی بین المللی کار»

اگر اتحاد شوروی با تحمیل تقسیم بین المللی کار به کشورهای کمزیر آنها را به زانده های اقتصاد خود تبدیل میکند ، با تئوری تقسیم سوسیالیستی بین المللی کار کشورهای باصطلاح سوسیالیستی را به تابعیت اقتصادی و در نتیجه به تابعیت سیاسی و نظامی خود در می آید در این جهانیز کشورهای «سوسیالیستی» هرگز احوال و نیروهای مادی و اقتصادی خود را در آن شمی نگار میانه ازنده که برای آنها مساعدترین شرایط و نیز تجربه تولید و نیروهای متخصص را دارا میباشند .

البته در میان کشورهای «سوسیالیستی» برخی مانند آلمان و موزانیک ، چکوسلواکی و مجارستان کشورهای صنعتی اند و نمیتوان آنها را مانند مغولستان و بلغارستان به تولید کنندگان مواد خام و مواد اولیه تبدیل کرد . اما صحبت اساسی بر سر اینست که امریالیسم روسیه میتواند با تدهیروسوسیالیستی شریانهای حیاتی این کشورها را در دست خود گیرد و آنها را مانند هرامریالیسم دیگر به غارت ثروت و دستنزع خلق آنها به برد ازیستقلال و آزادی برآورد و از آنها برباید . تئوری تقسیم سوسیالیستی بین المللی کار هم آهنگ ساختن اقتصاد و تخصص یافتن در تولید محصول معین در خدمت چنین سیاستی است .

تخصص یافتن یعنی سوق دادن اقتصاد بطور عمده به تولیدات کشاورزی یا به شعب معینی از صنایع یا حتی به تولید کالا های صنعتی از نوع معین ، تخصص یافتن کشور را از رشد همه جانبه اقتصاد ملی باز میبرد و آنرا وابسته به دیگران میسازد . البته این امر شامل حال اتحاد شوروی نمیشود . اتحاد شوروی به علت وسعت کشور منابع عظیم زیرزمینی ، نیروی انسانی فراوان و نیز عین ملت که هم اکنون کشور بزرگ صنعتی است قادر است اقتصاد خود را همه جانبه و در کلیه زمینه های اقتصادی رشد دهد . بحضرت دیگر فقط اتحاد شوروی میتواند اقتصاد خود را آنچنان تکامل بخشد که از لحاظ اقتصادی حاکم بر سر نوشت خود باشد کشورهای «سوسیالیستی» دیگر فاقد خصوصیات فوق الذکر اند و لذا رشد همه جانبه اقتصاد آنها امکان پذیر نخواهد بود . مجله «کمونیست» ارگان تئوریک حزب کمونیست اتحاد شوروی در شماره (۱۹۰۱) نوشت : «این شعب (توسیل سازی تراکتور سازی تلوکومونیسم سازی و غیره - توپان) دیری است که اتحاد شوروی و برخی کشورهای برادر دیگر ایجاد شده اند و این کشورها میتوانند احتیاجات تمام اردوی سوسیالیستی را بر آورند . . . گرایش به حاکمیت اقتصادی بر اقتصاد کشورهای موزکراسی بود مای تا «تیرسیار منفی» میگردد . برعکس بر اقتصاد شوروی تا «تیرنسبت ناچیزی» دارد . می بینید که نویسندگان مصرحاً گفته اند رشد همه جانبه اقتصاد ملی و استقلال اقتصاد و تحمیل حاکمیت اقتصاد بر آن کشورها را باید در دست کشور تأثیر سیار منفی میگردد .

بنابر این کشورها باید به تولید آن محصولات بپردازند که آنها را تولید نمیکنند یا تولید آن فعلاکفای نیازند بهای کشورهای «برادر» را میدهد و یا بالاخره به تولید آن کالا هایی بپردازند که مورد نیاز اتحاد شوروی است . بهبود نیست که سال گذشته هنگام سفر تئوریست کشاورزی مجارستان امیرد بیضی به مسکو و از آنجا به الماسکی و نیز کشاورزی شوروی این نتیجه حاصل آمد که مجارستان باید در آینده مواد غذائی بیشتری به اتحاد شوروی تحویل دهد و بنا بر این مجارستان باید از این پس برنامه کشاورزی و صنایع غذائی خود را در ارتباط با احتیاجات شوروی رشد دهد .

تئوری تخصص در تولید با تئوری «هم آهنگ ساختن» اقتصاد تکلیف میشود که سرانجام به نام (انتگراسیون) کشورهای «سوسیالیستی» در یک مجموعه واحد می انجامد که «شورای تعاون اقتصادی» مظهر آن است .  
گرچه شورای تعاون اقتصادی در ۱۹۴۹ تا «سیرگردید ولی شوروی بعداً سیاست نو استعماری خود را نسبت به آن درنگردید سیاست «بسیستم حزب کمونیست» اتحاد شوروی بنیاد نهاد . خروش جدید رگزارش خود به این شکل میگردد :  
«مروزه دیگر از نیست که هر کشور سوسیالیستی ضرورت همه شعب صنایع سنگین را رشد دهد . . . بقیه صفحه ۳»

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا !

یکی از سگهای زنجیری امپریالیسم آمریکا در زیر ضربات کوبنده خلق فرار را برقرار ترجیح داد . لئون تول این خدمتگزار امپریالیسم آمریکا که پنج سال پیش زمام امور کابوچ را در دست گرفت ، اکنون که نیروهای مسلح خلق با پیگار قهرمانانه خود دروازه های پایتخت را میکشاید ، برای آنکه به چنگ عدالت خلق گرفتار نیاید ناگهان کابوچ را با یک هواپیمای آمریکائی ترک گفت تا بقوه زندگی ننگین خود را در زیر حمایت آمریکا به پایان رساند امپریالیسم آمریکا ، این پشتیبان لجوج و سرسخت نیروهای سیاه ارتجاعی در سراسر جهان بنا آخرین لحظه کوشید لئون تول را در مقام نوکری نگاه دارد ، تا آخرین لحظه از تک نظامی باو بر سرای جلوكیری از نیروی خلق مسلح خود در آری نوزید . ولی در برابر نیروی خلق ، نیروی که مصمانه تانبل به پیروزی از این تار جان خود نیز در بیخ ندارد ، هیچ نیروی حتی ابر قدرت آمریکا قدرت ایستادگی ندارد . سی سال جنگ تود مای خلقهای قهرمان هند و چین را ل بر این حقیقت است .

امپریالیسم آمریکا اکنون با بحران اقتصادی و مالی و خیمی دست بگریبان است ، بحرانی که در دوران پس از جنگ جهانی دوم نظیر نداشته است . تضاد های اقتصادی و سیاسی بزرگی آنرا از رون میخورد . بد نبال ماجرای کیف و انتریکت اکنون تاریخچه توطئه ها و سیاه نگاریهای «سیا» یکی پس از دیگری برملا میشود و نفرت همگان را بر می انگیزد . این استعمارگر بزرگ جهان در خارج از مرزهای خود با مبارزه خلق های انقلابی بخاطر آزادی و استقلال و رفاه و ترقی و پیشاپیش آنها خلق های قهرمان هند و چین رو بروست : تضاد ها بسیاری بر او برآورد بگر کشورهای امپریالیستی و ویژه سوسیال-امپریالیسم شوروی قرار میدهد . انحطاط و رسیدگی از سرتاپای این بزرگترین و نیرومندترین جامعه سرمایه داری جهانی میترارد . معذک این زانده ارم جهانی ، این غارتگر بزرگ از تلالی بخاطر استیلاي خود بر جهان با زنی ایستد ، تمام سیاست و دیپلماتی آن بر محور سیاست جهانی میگردد . از تمام شیوه های کهنه و نوین استعماری برای استقرار سلطه جهانی خود مدد میکند ، با استقا از بزرگترین نیکنم جنبش انقلابی خلق هارا با دست زمامد اران مزد و مرعلی و کمک نظامی و تسلیحاتی با آنها سرکوب میکند و آنجا که در کترین نیکنم ناتوان از آب و در آید با نیروی نظامی خود به بعد اخله مستقیم می پردازد . چنین است استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا و جز این نمیتواند بود . چون ثروت انحصارهای امپریالیستی آمریکائی و مقام امپریالیسم آمریکا در نیای کونی ، همه ثمره خون و مرع طبعه کارگر و دیگر محنتگاران آمریکا و حاصل غارت ثروت و دستنزع ده ها صدها میلیون کارگر و محنتگر جهان است . و از امپریالیسم آمریکا مترادف با اسارت و فقر و محرومیت خلقها است ، خلقهایی که اکنون مصمانه بیخ اسارت و عقب ماندگی را از گردن خویش بردارند .

امپریالیسم آمریکا بدون توجه به درگونیهای معینی که در جهان بوقوع پیوسته است هنوز هم با زبان زور سخن میگوید بکشورهائی را که در برابر مقاصد و مطامع آن می ایستند به تجاوز و بعد اخله نظامی تهدید میکند . پشتوانه او بر این تهدیدات نیروی عظیم اقتصادی و نظامی او است . بهبود نیست که همه ساله برودجه نظامی آمریکا افزوده میشود بهبود نیست که دستگا های وسیع در این کشور برای تکمیل تسلیحات موجود و ویژه سلاح های هسته ای و حامل آنها برای افزایش نیروی نظامی برای یافتن سلاحهای مخرب جدید دست بکارند بهبود نیست که امسال بودجه نظامی آمریکا به رقم نجومی یکصد میلیارد دلار رسیده است .

اختصاص یکصد میلیارد دلار بیشتر به مخارج نظامی و سوق دادن اقتصاد کشور در جهت تولید ات نظامی بهترین بحران آنرا رانشد میدهد ، بر تورم خواهد افزود . اما امپریالیسم آمریکا راگریزی نیست چون در تحقق استراتژی جهانی خود باید در مسا تسلیحاتی که میان او و سوسیال امپریالیسم شوروی مدعی دیگر سیادت جهانی بدرگرفته تفوق خود را حفظ کند . ولی این تفوق و سیادت طلبی از جانب هر یک از او و بر قدرت که باشد از پیروزی خلقها جلوكیری نخواهد کرد . نمونه خلقهای قهرمان هند و چین در برابر ما است .

## امپریالیست های شوروی بر انگیزنده سیاست توسعه طلبانه هند

وقایع بنگال در ش گواهد بگیری است بر سیاست الحاق طلبی هند نسبت به یک کشور دیگر . واقعیت اینست که توافقات با شیخ عبد الله چیزی جز یک مضحکه بازرزاید برآگاندی نیست ، که میخواهد اشغال و الحاق کشمیر را مستحکم بخشد و سعی مینماید آنرا بعنوان توافق «اولطلبانه» کشمیر با هند بنماید . دولت هند کشمیر را همیشه بعنوان جزئی از هند وستان میدانست و سال گذشته موقعیکه الحاق سیکیم عملی گردید بوزیر امور خارجه هند سینگ در مجلس مورد سؤال قرار گرفت که چگونه باید مسئله جامو و کشمیر را حل کرد . سینگ فوراً و بطور رسمی جواب داد : «در این مورد چیزی برای گفتن نیست زیرا که جامو و کشمیر جز تفکیک ناپذیر هند میباشد .

با وجود تمام این اعمال راهز نانه که نقض آشکار حقوق بین المللی است سوسیال امپریالیستهای شوروی به تحریک و پشتیبانی از ارتجاع هندی پردازند . و این قابل درک است . سوسیال-امپریالیستهای شوروی در کوشش خود بخاطر توسعه نفوذ در آسیا و رقابت سخت با امپریالیسم آمریکا در کوشش بخاطر عملی نمودن سیاست سیادت طلبانه خود از طریق باصطلاح «امنیت جمعی آسیا» تکیهگاه

مهمی در ارتجاع هند سراغ کردند . بخاطر از دست ندادن این تکیه گاه در اردوستانه ، بر ژرف از جاه طلبی و ماجراجویی ارتجاع هند پشتیبانی میکنند . ارتجاع هند اسلحه های بسیاری از مسکو ریا فت داشته است . تا بحال مقدار کم اسلحه قریب دو میلیارد دلار بالغ میشود . در اثر کمک امپریالیستهای روس ارتجاع هند هواپیما های میک ، تجهیزات مختلف و اسلحه هم میسازد . با کمک آنها موفق بانجام آزمایش اتی گردید . در از این کمکها مقامات دلی دروازه های هند را بر روی سرمایه داران روسی باز نمودند تا آنها بتوانند منابع طبیعی این کشور را بدون مانع بتاراج برند بجائی که تعداد گدایان ، بی خانمانان ، گرسنگان و انسانهای در حال مرگ در خیابانها از شمارش بیرون است .

زمانی که ارتجاعیون دلی علیه چین بقیه صفحه ۳

چند روز پیش دولت هند قرارداد با شیخ عبد الله که خود را رهبر کشمیر میداند امضا نمود . در این قرارداد شیخ عبد الله پس از تأیید انصراف خود از آزار عمومی پیرامون سر نوشت کشمیر بعنوان صدراعظم کشمیر اعلام کردید . این عمل گواهانست که مقامات دولتی دلی سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه خود را کماکان ادامه میدهند .

مسئله کشمیر از زمانی که هند وستان بریتانیا را رسال ۱۹۴۷ به هند واکستان تقسیم کردید بوجود آمد با امپریالیسم این مسئله را بوجود آورد تا بدین طریق بتواند بخاطر تاهین منافع امپریالیستی خود از آن بعنوان دستکی بین هند واکستان استقا کند و بین این کشورها تصادفی بوجود آورد . پس از مذاکرات بسیار در سال ۱۹۵۳ قرارداد هند واکستان منعقد شد که طبق آن مسئله کشمیر بهیست ظا . هر ابر مبنای خواسته های خلق کشمیر حل گردد . طبق این قرارداد امپریالیست مسئله فوق با اخذ آراء عمومی خلق کشمیر پیرامون حق تعیین سر نوشت خود حل شود . اما تمام این قرارداد ها و توافقات روی کاغذ ماند ، و ارتجاع هند سیاست توسعه طلبی و تجاوز خود را ادامه داد بگرومطور سیستماتیزه دست به اعمال آشکاری زد بکشمیر اشغال نمود ، سپس تجاوز معروف راطیه جمهوری تود مای چین انجام داد . چند سال پیش به پاکستان هجوم برد . سال پیش با زور اسلحه کشور شاهنشاهی سیکیم را مانند بوتان ضمیمه هند کرد .

نگر «آمریکا با هرگونه کمک بملون نول مخالفت ورزید زیرا هیچگونه کمکی دیگر قادر نیست این عروسکهای خیمه شب بازی را بر سر کار نگاه دارد . پیروزی خلقهای کابوچ و بیت نام محتوم است اینست که دولت آمریکا لئون تول ، این خدمتگزار وفاقی خود را فد امریکند و مستحلامین سیاست را در مورد تپوکار خواهد برد تا شاید از طریق مذاکره و تشکیل دولت ائتلافی جای پائی در این کشورها برای خود باقی گذارد .  
امپریالیسم آمریکا مانند رقیب سوسیال امپریالیست خود محکوم بنا بودیست و این حکم محکمه تاریخ و راخلق های انقلابی جهان به مرحله اجرا خواهند گذاشت .

## خلق های هند و چین امپریالیسم آمریکا و عمال آنرا بدریا خواهند ریخت!